

تبیین مؤلفه‌های مؤثر مشارکت مردمی در شهرهای سنتی برای دستیابی به پایداری اجتماعی

نجمه ملک پورا^۱

چکیده

یکی از دغدغه‌های زندگی شهرنشینی در شهرهای امروزی ما رسیدن به پایداری اجتماعی بوده و مشارکت شهروندی راه‌حلی برای رسیدن به این پایداری است. در جریان این مشارکت، توجه به ارزش‌های انسانی و کیفیت بخشیدن به فضاهای انسان ساخت از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه به نظر می‌رسد که بهره‌گیری از مشارکت مردمی در جریان معماری و شهرسازی نیز مانند بسیاری از جریان‌ها و رویکردها، از کشورهای غربی و پیشرفته سرچشمه گرفته و سپس در کشورهای در حال توسعه مورد استقبال و یا تقلید قرار گرفته است، اما با نگاهی دقیق‌تر به کیفیت معماری و شهرسازی شهرهای سنتی می‌توان گونه‌هایی از مشارکت فعال مردمی در سطوح مختلف را بازشناسی کرد. مشارکتی که به ویژه در فضاهای عمومی شهری نمود پیدا کرده و موجب افزایش سطح تعاملات اجتماعی، امنیت و در نتیجه پایداری اجتماعی شده است. آنچه این پژوهش به دنبال آن است تبیین جایگاه مشارکت مردمی در شهرهای سنتی ایران است؛ بنابراین ابتدا به بررسی و شناخت انواع مشارکت و سطوح مطرح شده‌ی آن در دهه‌های اخیر پرداخته و پس از بررسی رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی در نمونه‌ای از بافت‌های تاریخی، مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت در شهرهای سنتی را معرفی و به مقایسه آن با رویکردهای مطرح شده‌ی معاصر می‌پردازد. بررسی و شناخت این رفتارها، تحلیل، ریشه‌یابی و بررسی ارتباط متقابل آن با محیط مصنوع، می‌تواند به عنوان یک نمونه موردی موفق در معماری مشارکتی راه‌گشا بوده و منجر به ارائه راهکارهایی شود.

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، ارزش‌های انسانی، شهر سنتی، پایداری اجتماعی.

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری، دانشگاه زنجان، نویسنده مسئول، n.malekpour@znu.ac.ir

پیشینه تحقیق، روش و فرضیه‌ها

تلاش برای رسیدن به عدالت اجتماعی در جوامع امروزی غیرقابل انکار است. ریشه‌های این جریان را می‌توان در دهه‌ی ۶۰ میلادی جستجو کرد. اعتراضات سیاسی، شورش‌های دانشجویی و جنبش‌های اجتماعی آغاز شده در این دهه، موقعیتی جدید برای ارتقاء ارزش‌های اجتماعی فراهم آوردند. از جمله مهم‌ترین اهداف این جنبش‌ها، توسعه عدالت اجتماعی و مشارکت دادن هر چه بیش‌تر طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی بود.

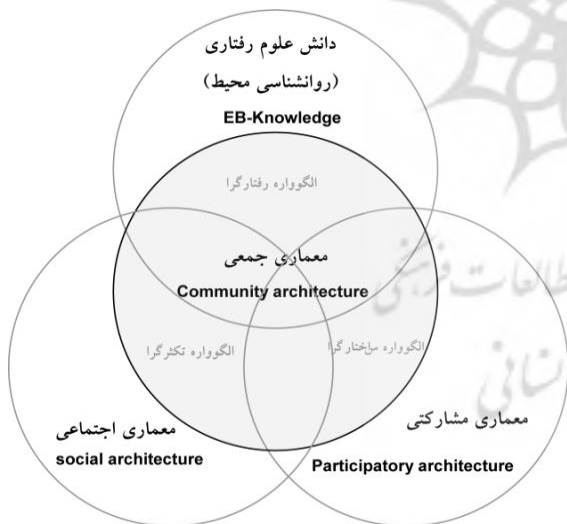
مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه شهروندان، اصلی پذیرفته شده در تمام کشورهای توسعه یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. اما مدت‌ها طول کشید تا مفهوم مشارکت از حوزه سیاست و فرهنگ خود را به حوزه برنامه‌ریزی و طراحی برساند. مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت (عباس‌زادگان، ۱۳۹۰). از اواخر دهه ۱۹۵۰، مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی مطرح شد. بحث‌های مشارکت جمعی در معماری ابتدا موضوع سال‌های ۱۹۶۰ میلادی بود. برنامه‌های دولتی در این سال‌ها، متوجه مشارکت ساکنان و از سوی دیگر متخصصانی بودند که تصمیم‌های کلیدی را می‌گرفتند و بودجه‌ها را کنترل می‌کردند. پروژه‌های طراحی مشارکتی در سال‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، در بسیاری از نمونه‌ها متوجه افراد طبقه پایین یا محلات قدیمی با درآمد اقتصادی به نسبت پایین بود (اسلامی، ۱۳۹۲).

در کشور ما نیز در سال‌های اخیر، پروژه‌هایی با عنوان مشارکتی مطرح شده که نشان‌دهنده ارزشمند دانستن این

مقدمه و بیان مسئله

امروزه زندگی در جوامع شهری مدرن دارای پیچیدگی‌های فراوان از جمله ارتباط بین شهروندان با یکدیگر و با مسئولان شهری، تعریف وظایف، اختیارات و تعهدات هریک از شهروندان است. اما آنچه مسلم است، هر جامعه از آغاز شکل‌گیری دارای اهداف و ارزش‌هایی مشترک بین افراد خود بوده که همراه با رشد جامعه، تغییر و رشد کرده و گاه کم‌رنگ شده‌اند. یادآوری و بازتعریف اهداف و ارزش‌های مشترک میان شهروندان یکی از مؤلفه‌های معماری مشارکتی است که در دهه‌های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده‌است. مباحث مشارکت جمعی در معماری از سال ۱۹۶۰ آغاز شد و به تدریج توسعه یافت. در این زمینه، اهمیت مشارکت دادن افراد در فرآیند تصمیم‌گیری برای محیطی که در آن زندگی می‌کنند، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته‌است. هدف از مشارکت، همیشه رسیدن به راهکار طراحی محیطی نیست، بلکه در برخی از الگوها و مدل‌های ارائه شده به ویژه در رویکرد سیاسی، مشارکت به عنوان ابزاری است که تعاملات اجتماعی را ارتقا می‌بخشد. دیدگاه مشارکتی به دلیل تأثیر فزاینده بر پایداری محیطی و پاسخ‌گویی مطلوب‌تر به نیازهای انسانی، روزبه‌روز جایگاه خود را در نظریات شهرسازی مستحکم‌تر می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۵). بررسی و شناخت رفتارهای مشارکتی در فضاهای شهری شهرهای سنتی (نه به عنوان رویکردی جهت طراحی بلکه به عنوان یک اتفاق اجتماعی)، تحلیل و ریشه‌یابی این رفتارها و ارتباط متقابل آن با محیط مصنوع، می‌تواند به عنوان بررسی یک نمونه موردی موفق در معماری مشارکتی راه‌گشا بوده و منجر به ارائه راهکارهایی هرچند کلی شود.

شده است: مشارکت وسیله‌ای است برای تبدیل یک شهرنشین بی تفاوت به یک شهروند. یعنی تبدیل شهرنشین به انسانی که با محیط خود ارتباطی ذهنی-عاطفی داشته باشد و مسئولیت به‌سازی محیط خود را در یک همیاری مستمر با دیگران بدیهی پندارد (پاکزاد، ۱۳۸۲). مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند (طوسی در پاکزاد، ۱۳۸۲). مشارکت عاملی است که جامعه‌ی منفعل را به جامعه‌ای پویا، فعال و پایدار تبدیل می‌کند. امروزه مشارکت در معماری و شهرسازی دارای رویکردها، حوزه‌ها و سطوح مختلفی است. سه رویکرد شناخته شده در مشارکت مردمی در معماری، معماری مشارکتی^۱، معماری اجتماعی^۲ و معماری جمعی^۳ هستند (کامل‌نیا، ۱۳۸۸). براساس تعاریف، معماری مشارکتی و اجتماعی،



تصویر (۱): مدل مفهومی معماری جمعی و ارتباط آن با دیگر رویکردهای مشارکتی در معماری (کامل‌نیا، ۱۳۸۸)

کاربردی و عمل‌گرا بوده و کاربران آن قشر فقیر و کم درآمد آن هم در مرحله‌ی اجرای پروژه می‌باشند.

رویکرد است. اما از آن‌جا که مشارکت مفهومی بسیار سیال و متنوع است، میزان مشارکتی بودن طرح‌ها با توجه به شرایط حاکم بر آن‌ها بسیار متغیر است. از این رو باید ملاک‌های عینی مشخصی برای ارزیابی مشارکتی بودن طرح‌ها وجود داشته باشد تا از آن طریق میزان موفقیت طرح‌های مشارکتی را بتوان سنجید (حبیبی، ۱۳۸۵). به این منظور، این نوشته، با استفاده از روش توصیفی و مراجعه به اسناد و مدارک موجود به بررسی مفاهیم، سطوح و رویکردهای مطرح شده در ارتباط با معماری مشارکتی پرداخته و سپس با نگاهی درون‌فرهنگی، بر مبنای تحقیقات میدانی شامل مشاهده‌های عمومی و تشخیصی و مصاحبه با ساکنان در بافت سنتی شهر یزد به استخراج مؤلفه‌های مشارکت بر مبنای دو مؤلفه‌ی شناخت ارزش‌های انسانی و کیفیت‌های محیط مصنوع می‌پردازد. پس از آن با دسته‌بندی این مؤلفه‌ها و تطبیق سطوح و رویکردهای شناخته شده در گذشته و حال تلاش می‌کند پیشنهادهایی را به عنوان معیار ارزیابی ارائه دهد.

با توجه به دو مفهوم مطرح شده و مورد بحث، یعنی مشارکت و پایداری اجتماعی، فرضیه پژوهش به این صورت مطرح می‌شود: با وجود تغییرات ایجاد شده در نظام سیاسی و اجتماعی و نوپا بودن مفاهیم و تعاریف معاصر مشارکت، الگوها و مؤلفه‌های مشارکتی گذشته قابل شناخت و دسته‌بندی بر مبنای رویکردها و سطوح معاصر بوده و در نهایت قابل تطبیق و اجرا با مفاهیم امروزی است.

مفهوم مشارکت و سطوح آن

مشارکت مردمی در امور اجتماعی مفهومی است گسترده و تعاریف مختلفی توسط صاحب‌نظران در این باره ارائه

- 1- Participatory Architecture
- 2- Social Architecture
- 3- Community architecture

در صورتی که معماری جمعی، انسان‌محور و رفتارگرا است و کاربران آن گروه‌های اجتماعی با علایق مشترک هستند. در معماری جمعی فهم و دریافت ارزش‌های فرهنگی کاربران در الویت قرار گرفته و هدف آن بالا بردن احساس جمعی از خلال فرآیند مشارکتی در طراحی

مشارکت در ایران را به سه دسته‌ی کلی مشارکت شعاری، مشارکت محدود و مشارکت واقعی تقسیم‌بندی می‌کند(همان). در مشارکت شعاری مردم در تصمیم‌گیری‌ها نقشی نداشته و تنها در تأمین اعتبار مالی پروژه سهیم هستند. در مشارکت محدود، نظرسنجی از

مشارکت				
معیارها	سطوح	رویکردها	مراحل	حوزه‌ها
ادعای مشارکت	مشارکت شعاری	معماری جمعی Community architecture	تصمیم‌گیری	سیاسی اجتماعی محلی
استفاده از سرمایه افراد				
مشاوره	شبه مشارکت			
استفاده از سرمایه و نظارت افراد				
نظارت شهروندان	مشارکت واقعی			
تصمیم‌سازی و اجرا				
معماری مشارکتی Participatory architecture			طراحی	
معماری اجتماعی Social architecture			اجرا	

جدول (۱): جمع‌بندی تعاریف مشارکت در شهرهای مدرن (منبع: نگارنده)

است (تصویر ۱). رویکرد معماری جمعی در جستجوی برقراری پیوند میان گرایش‌های بومی‌گرایی با نیازهای مدرن جامعه‌ی امروز خود است (اسلامی، ۱۳۹۲). هر رویکرد در حوزه‌های مختلفی مانند علوم سیاسی، علوم اجتماعی یا مطالعات روانشناسی محیط تعریف شده‌است. از این میان مشارکت سیاسی^۱ بالاترین سطح قدرت و اختیار را دارد و تصمیمات در این سطح کلی و کلان است. مشارکت اجتماعی و محلی در سطح پائین قدرت است اما تصمیمات در این سطوح اجرایی و عملیاتی هستند. قلمروی هر یک از حوزه‌ها نیز با هم متفاوت است. قلمروی مشارکت سیاسی، قدرت، مشارکت اجتماعی، فرهنگ و مشارکت محلی، مکان است (حبیبی، ۱۳۸۵). سطوح مشارکت عبارتند از تبادل اطلاعات و مشاوره میان مردم و مسئولین، استفاده از نظرات مردم در تمام مراحل تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری نهایی با مردم و اجرای این تصمیمات. بر همین اساس دکتر حبیبی طرح‌های مدعی

شهروندان صورت گرفته اما هیچ نظارتی از جانب مردم بر اجرای تصمیمات صورت نمی‌گیرد. در مشارکت واقعی تبادل اطلاعات کاملاً دوسویه بوده و مردم علاوه بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، حق نظارت بر اجرای خواسته‌های خود را نیز دارند(همان). مهم‌ترین نکته این که در این طرح‌ها، مشارکت علاوه بر اینکه موجب بهبود کیفیت طرح می‌شود، موجب رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان نیز هست.

ارتباط مشارکت مردمی و پایداری اجتماعی

ایجاد یک جامعه شهری که در آن تمام افراد امکان دستیابی به سعادت را داشته باشند، برعهده یک فرد یا گروه اجتماعی خاص نیست، بلکه نیاز به مشارکت تک‌تک افراد جامعه دارد. فارابی از جمله قدیمی‌ترین اندیشمندانی است که به نظریه‌پردازی درباره اجتماعات انسانی پرداخته‌است. بنابر نظریه‌های او، انسان برای رسیدن

1. Political Participation

پایداری اجتماعی شامل دو مبحث برابری اجتماعی و پایداری اجتماعی محلی است. تساوی اجتماعی شامل دسترسی به خدمات و فرصت‌هاست، در حالی که پایداری اجتماع محلی شامل ابعاد فرعی زیادی مانند حس تعلق به محله، تعاملات اجتماعی و امنیت محله، کیفیت محیط بومی، رضایت از مسکن و مشارکت در فعالیت‌های جمعی مدنی است (همان). شناخت راهکارهای مناسب جهت تحقق این ویژگی‌ها نیازمند مشارکت افراد بوده در سطوح مختلف اجتماعی است.

مشارکت مردم در اجرای طرح‌های شهری از ویژگی‌های شهرسازی انسان‌گرا است و هدف آن تأمین منافع بین گروه‌های مختلف مردم، مسئولین، سیاست‌گذاران و افراد ذی‌نفع و ذی‌نفوذ و دستیابی به یک محیط پایدار شهری است (عباس‌زادگان، ۱۳۹۰). محیط‌های پایدار را تنها معماران و شهرسازان خلق نمی‌کنند، بلکه این محیط‌ها در اثر عشق و علاقه و توجه کسانی که در آن زندگی و کار

به سعادت ناگزیر از زندگی در اجتماع است و لازمه زندگی اجتماعی نیز، تعاون و همکاری است. او بر تعاون میان افراد و مشارکت مدنی تأکید فراوان داشته و می‌گوید: "هر مدینه‌ای که هدف از اجتماع در آن، در حقیقت تعاون بر اموری باشد که موجب دستیابی افراد به سعادت شود، آن مدینه، مدینه فاضله است و اجتماعی که به سبب آن، همکاری برای وصول به سعادت انجام گیرد، آن اجتماع فاضل است..." (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۱). پویایی، تحرک و برخورداری از حق مشارکت در امور جمعی از ویژگی‌هایی است که از نظر فارابی شهروند مدینه فاضله از آن برخوردار است.

تعاریف ارائه شده نشان می‌دهد نتایج حاصل از مشارکت، با ویژگی‌های برشمرده شده برای جوامع پایدار شهری، مطابقت و همخوانی دارد (تصویر ۲). گروهی از محققان در تعریف پایداری اجتماعی به چهار عنصر اصلی و تعیین‌کننده اشاره کرده‌اند: عدالت اجتماعی، همبستگی



تصویر (۲): رابطه متقابل مشارکت مردمی و پایداری اجتماعی (ماخذ: نگارنده)

می‌کنند خلق و نگهداری می‌شوند (عباس‌زادگان، ۱۳۹۰). در رویکرد روانشناسانه به معماری جمعی، یکی از مهم‌ترین عوامل طراحی جمعی، احساس جمعی است که دارای شاخصه‌هایی مانند عضویت، تأثیرگذاری، یکپارچگی و برآوردن نیازها و ارتباط حسی مشترک است (اسلامی، ۱۳۹۲). عضویت به معنای ارتباط داشتن با گروه اجتماعی و احساس تعلق داشتن به آن است. هرچه

اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا، مؤلفه‌هایی چون فرصت‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمام انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای تمامی افراد به منظور ایفای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت، امرار معاش و ایمنی سکونت‌گاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته‌اند (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳). علاوه بر آن مفهوم

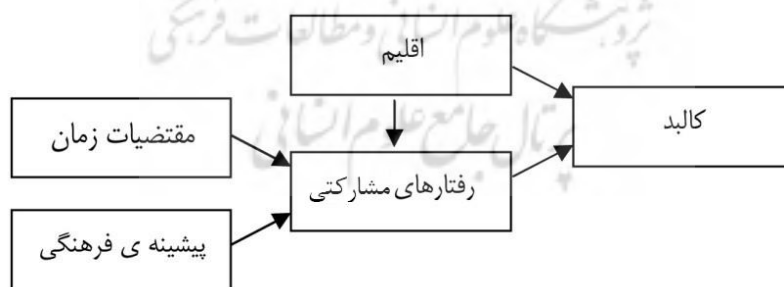
این چارچوب نگنجد، بی‌معنا انگاشته می‌شود. اما در دیدگاه سنتی دریاچه نظر به هستی دین است. یعنی انسان از طریق وحی به هستی می‌نگرد و آن را تفسیر می‌کند(همان). رشد طبیعی و ارگانیک شهر، گسترش محلات به صورت منسجم و در امتداد بافت موجود، حداقل دخالت در شکل زمین، قطعه‌بندی‌های نامنظم و تعامل فضاهای باز و بسته مهم‌ترین خصوصیات است که بافت شهرهای سنتی را از فضاهای شهری جدید متمایز می‌کند. رشد شهر سنتی طی فرآیندی شکل می‌گیرد که آن را نظم ارگانیک می‌خوانیم (پاراحمدی، ۱۳۷۸)، نظمی که به گفته الکساندر در مردم و با مردم رشد کرده و باعث ایجاد احساسات مشترک میان آن‌ها است (الکساندر، ۱۳۸۶). از طرفی اندیشمندان سنت‌گرا با مینا قرارداد معماری گذشته سرزمین‌های اسلامی تمام رفتارهای معمارانه‌ی معماران سنتی را در معماری و شهرسازی واجد معنا می‌دانند (استرلن در احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). شناخت این رفتارهای انسانی می‌تواند در شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر رفتارهای مشارکتی، راه‌گشا باشد. در دوره‌های گذشته تاریخ شهرهای ما قدرت‌های حاکمه

این احساس قوی‌تر باشد، باعث ارتقا سایر شاخصه‌ها نیز می‌شود. نتیجه‌ی این امر علاوه بر ایجاد اعتماد میان افراد، افزایش امنیت و انسجام اجتماعی که همه نشان از پایدار بودن اجتماع دارد، ایجاد همبستگی و احساس قدرت در میان افراد جامعه است. احساسی که باعث می‌شود افراد ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری محیط زندگی خود بوده و در نگهداری آن مشارکت داشته باشند.

مشارکت اجتماعی در شهر سنتی

مؤلفه‌های مؤثر بر رفتار مشارکتی در شهر سنتی

منظور از شهر سنتی در این نوشتار، شهری است که کالبد بافت تاریخی و بخش‌هایی از فرهنگ عامه خود را حفظ کرده‌است. بنابراین محدوده موردنظر در مباحث مطرح شده، شهرهای سنتی ایران در حدود یک قرن گذشته و با فرهنگ غالب عامه می‌باشد. شهر سنتی دارای شکل خاصی نیست، یعنی نمی‌توان با یک شکل خاص، شهری را سنتی کرد. انسان‌ها در شهر سنتی مهم‌ترین اعضای شهر هستند. کالبد و شکل سنتی شهر در پی مردم سنتی حاصل خواهد آمد. شکل حاصل آمده منحصر به فرد است. قابلیت



تصویر (۳): ارتباط بین مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت در شهر سنتی (مأخذ: نگارنده)

در هر زمینه به گونه‌ای بلافاصل اتخاذ تصمیم می‌کردند و تنها پس از انقلاب مشروطه و وضع قوانین جدید، حضور مردم در سطوح مختلف مشارکت (به ویژه در تصمیم‌گیری‌ها) پررنگ‌تر می‌شود (فلامکی، ۱۳۶۷)، با این وجود باز هم در فضاهای باز شهری شکل گرفته بر اساس

تکرار در جاها و زمان‌های دیگر را ندارد (احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). انسان سنتی را دیدگاه وی تعریف می‌کند و تفاوت دیدگاه سنتی و مدرن در نحوه نگرش به هستی است. در دیدگاه مدرن از منظر علم به هستی نگریسته و تمام پدیده‌ها از این دریاچه تفسیر و معنی می‌شود و هرچه در

گرفته‌است (یاراحمدی، ۱۳۷۸). در شهر سنتی غالب فعالیت‌های روزانه در سطح محلات اتفاق می‌افتد و هر محله به عنوان یک کل، مکان‌های لازم برای زندگی را در خود دارد. تنوع در الگوهای رفتاری و فعالیت‌های مردمی یکی از ویژگی‌های شاخص کالبد فضاهای باز شهرهای سنتی است.

در بافت قدیم شهر یزد میدان‌های متعددی وجود دارد که مجموعه‌ای از بناهایی همچون مسجد، بازار، حمام، آب انبار و... را در خود جای داده‌اند. علاوه بر آن انواع فضاهای باز دیگری مانند پیشگاه، واشدگاه، لرد و... در بافت شهرهای سنتی شکل می‌گرفته‌است. روند شکل‌گیری هر یک از این فضاها متفاوت و وابسته به عوامل اقلیمی و رفتاری خاص خود است اما، مهم‌ترین وجه تشابه آن‌ها، فراهم آوردن مکانی برای حضور عموم و تحقق مشارکت است و در هر یک از انواع این فضاها، مشارکت مردمی در سطح خاصی شکل می‌گیرد. معابر تنگ و باریک با دیوارهای بلند و ساباط‌های سایه‌انداز اگرچه زائیده‌ی اقلیم سخت کویر است، اما شکل‌دهنده‌ی برخی رفتارهای اجتماعی است. پناه بردن به سایه‌ی ساباط‌ها در آفتاب سوزان کویر، آن‌ها را به مکانی برای حضور افراد محله و مکث عابران و برقراری تعاملات تبدیل کرده‌است.

محدودیت منابع آب و ارتباطات در دل کویر، از دیگر ویژگی‌های شکل‌دهنده شهر سنتی است. این ویژگی باعث می‌شود که اقشار مختلف اجتماعی در یک محله در کنار هم گرد آیند. این اختلاف فرهنگی و طبقاتی در کالبد خانه‌ها قابل تشخیص است و برطبق نظر فرهنگی- اجتماعی راپاپورت، شکل خانه نتیجه عوامل اجتماعی و فرهنگی بوده و شرایط اقلیمی، سازه و روش‌های ساختمانی، عوامل درجه ۲ محسوب می‌شوند (معماریان، ۱۳۸۴). محدودیت منابع آب، عامل ارتباط اجتماعی نیز

تصمیمات حکومتی و بدون مشارکت مردم، می‌تواند شاهد پویایی، احساس تعلق و رضایت شهروندی بود. ویژگی‌های خاص این محلات و به هم پیوستگی آن‌ها باعث شده تا مشارکتی که از سطوح پایین اجتماع آغاز شده، به کل اجتماع تسری پیدا کند. بنابراین شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت در شهر سنتی، بر مبنای دو مؤلفه‌ی شناخت ارزش‌های انسانی و کیفیت‌های محیط مصنوع صورت می‌گیرد. مؤلفه‌های مربوط به کیفیت محیط مصنوع و تأثیر آن بر پایداری اجتماعی را می‌توان از باقیمانده کالبد این بافت‌ها استخراج کرد. اما از بین رفتن بخش زیادی از سرمایه‌ها و زندگی اجتماعی این بافت‌ها در دهه‌های اخیر، شناخت ارزش‌های انسانی مؤثر بر مشارکت و پایداری اجتماعی را مشکل‌تر می‌کند. شهر یزد به عنوان شهری سنتی با بافت تاریخی فعال و گسترده، نمونه‌ای مناسب جهت بررسی و مطالعه‌ی رفتارها و مؤلفه‌های مشارکت مردمی در گذشته‌ی این بافت است. علاوه بر دو عامل کالبد و رفتارهای انسانی، اقلیم و عوامل وابسته به آن نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار بر رفتارهای مشارکتی شناخته می‌شود. از آن‌جا که هدف اصلی این نوشتار شناخت رفتارهای مشارکتی است، بنابراین شناخت عوامل اقلیمی به منظور تأثیر بر رفتارهای انسانی و شناخت کالبد و کیفیت‌های محیطی، به منظور شناخت ارتباط متقابل آن با رفتارهای انسانی صورت می‌گیرد. امروزه دریافته‌ایم که ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای رشد فرهنگی و ایجاد روابط متقابل میان آدمیان ضرورتی حیاتی دارد. در واقع هر مکان تک عملکردی، که تنها به خاطر خواستی واحد و ویژه شکل گیرد، به زودی کارایی خود را از دست خواهد داد. پرمایگی نمادینی که در معماری و شهر "سنت‌گرا" در مقابل معماری و شهر "صنعت‌گرا" مشاهده می‌کنیم، بر مبنای حداکثر ممکن همجواری و هم‌زمانی بین کاربری‌های مختلف قرار

شهری قابل مشاهده است، اما برخی ذهنی و برمبنای اعتقادات و آموزه‌های افراد است (جدول ۲).
بر اساس تعاریف، شهر سنتی دارای ارتباطی همه جانبه، زمینی و آسمانی است، یعنی زمین، سایه آسمان است. هدف از شهر سنتی، ایجاد بستر مناسب برای هدایت انسان به کمال است و از آنجا که انسان دارای روح و جسم است، شهر سنتی نیز متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد و بنابراین قبل از برپایی شهر سنتی، بایستی انسان سنتی برپا شود. از این رو هدف در شهر سنتی برپایی کالبد شهر به تنهایی نیست (احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). به عبارتی ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی در تعامل مستقیم با یکدیگر هستند. از جمله شاخصه‌های اجتماعی در شهر سنتی عبارتند از:

پایبندی به اعتقادات مذهبی: جامعه سنتی یک جامعه خدامحور است و نمود تفکر سنتی، تسلیم بودن در برابر امر خداوند در تمام شئون زندگی است (همان)، انسان سنتی با وجود نکات منفی زندگی از جمله سختی معیشت و گاه بی‌عدالتی‌های اجتماعی، قادر بود احساس تعلق و

بود و ارتباطات گسترده‌ای را فراهم می‌کرد. صدها سال سکوی آب انبارها و حمام‌های عمومی، مکان‌هایی اجتماعی بودند. محلی مناسب جهت رد و بدل کردن اخبار محله (پاپلی یزدی، ۱۳۸۹). پیاده‌محور بودن ناشی از ویژگی‌های کالبدی بافت، باعث خوانایی هرچه بیش‌تر مسیرها و نزدیک بودن فضای کار و زندگی است. به این معنی، در شهر سنتی اغلب محل کار از محل زندگی جدا نیست و نمی‌توان تفاوتی میان احساس تعلق و مسئولیت افراد نسبت به محل کارشان که معمولاً همان فضای شهری است با احساس آن‌ها به خانه و محل زندگی‌شان قائل شد. از سویی پیاده‌محور بودن، باعث ایجاد امتداد فضایی در بافت است که منجر به یکپارچگی و به هم پیوستگی اتفاقات شکل گرفته در آن می‌شود.

شاخصه‌های رفتار مشارکتی

برای شناخت شاخصه‌های رفتار مشارکتی در شهر سنتی، علاوه بر مراجعه به متون و بررسی تعاریف موجود از شهر سنتی، رفتارهای روزمره در فضاهای باز و عمومی موجود

نحوه تحقق	مؤلفه‌های مشارکت در شهر سنتی	وجوه
آگاهانه	رعایت نظم اجتماعی	عملکردی-فضایی
	برپاداشتن سنت‌ها	
	حضورپذیری	
ناخودآگاه	نگاه کیفی برپایه اعتقادات	اعتقادی-ذهنی
	اعتماد برپایه روابط متقابل	
	نذورات و سرمایه‌گذاری در ساخت	

جدول (۲): دسته‌بندی نحوه مشارکت در شهرهای سنتی (مأخذ: نگارنده)

هویت را در خود تقویت نماید. بدین ترتیب زندگی او به گونه‌ای صمیمانه با اشیا و مکان‌ها بستگی می‌یافت (یاراحمدی، ۱۳۷۸). بر این اساس افراد در جامعه سنتی بنابر اعتقادات و آموزه‌های پیشینیان، خود را موظف

در بافت از پیشگاه خانه‌ها تا میدان‌های اصلی شهر مشاهده و از طریق مصاحبه با ساکنان قدیمی بافت، فعالیت‌های اتفاق افتاده در گذشته بررسی و شاخصه‌های رفتار مشارکتی از آن استخراج شده است. برخی از این رفتارها و مؤلفه‌ها، آگاهانه بوده و به صورت عینی در فضاهای

به حضور در جامعه و سهیم شدن در امور اجتماعی می‌داند.

برپا داشتن سنت‌ها: در شهر سنتی حضور افراد در جامعه عمدتاً به پیروی از رسوم و آیین پیشینیان و ناشی از اعتقادات مذهبی و تأکید بر زندگی جمعی در تمام ادیان است. پایبندی به مشارکت در برپایی آیین‌های دینی، فارغ از نوع دین، از خصلت‌های انسان سنتی است. علاوه بر فضاهای مذهبی و حسینیه‌ها و مشارکت عمومی در برپایی مراسم دینی، برخی فضاهای باز شهری از جمله واشدگاه‌هایی که در مقابل عنصری شاخص شکل گرفته‌اند مانند فضای مقابل مسجد جامع یزد محلی مناسب برای برپایی مراسم ملی و حضور پیروان ادیان مختلف مانند مسلمانان، یهودیان و زرتشتیان در کنار یکدیگر است.

مشارکت در سرمایه‌گذاری: نوع متفاوتی از مشارکت که به ویژه در فضاهای مذهبی اتفاق می‌افتد، مشارکت داوطلبانه‌ی افراد در سرمایه‌گذاری جهت ساخت این فضاها بوده که ریشه در اعتقادات مذهبی ساکنان بافت داشته‌است. با توجه به تدریجی بودن ساخت و ساز بخش مهمی از سرمایه‌ی موردنیاز توسط نذورات افراد محله تأمین می‌شده‌است، نوعی سرمایه‌گذاری بلاعوض.

وجود اعتماد اجتماعی: رشد و توسعه همواره در سایه حداقلی از امنیت فراهم گردیده و همواره جستجوی امنیت از مهم‌ترین انگیزه‌ها و نیازهای انسان بوده‌است و مهم‌ترین نیاز همه اجتماعات محلی، ملی و منطقه‌ای به شمار می‌رود (یاری، ۱۳۹۱). احساس امنیت تحت‌تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که یکی از این عوامل، اعتماد اجتماعی است. لزوم شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی افراد و در نتیجه آن روابط بین افراد، بیان‌گر مؤلفه مهمی به نام اعتماد اجتماعی در بین افراد است. اعتماد در ایجاد حس مشارکت و تعاون نقش مؤثری دارد و به مردم کمک

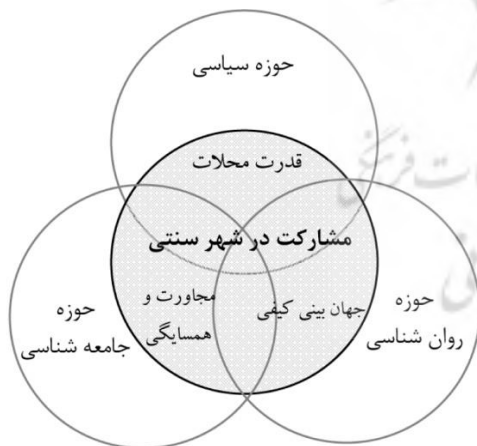
می‌کند تا علائق و منافع خود را با امیال و علائق دیگران هماهنگ کنند (همان). در واقع اعتماد، اجازه می‌دهد افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به این واسطه از اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی یاد می‌شود (کلنن در یاری، ۱۳۹۱). در شهرهای سنتی غالباً در بازار و در بین کسبه این اعتماد اجتماعی قابل تشخیص است. در بازار و میدان‌های محلی مانند میدان خان یزد، کسبه و کاربران به عنوان سرمایه‌های اجتماعی، نسبت به کالبد و رفتارهای اتفاق افتاده در فضا احساس مسئولیت داشته و به تمامی اتفاقات، فعالیت‌ها و حتی رفت و آمدهای صورت گرفته در فضا واکنش نشان می‌دهند. این امر ناشی از تعاملات فراوان در میان افراد است و امنیت و اعتماد اجتماعی را به ارمغان آورده و به تقویت و پایداری نظم اجتماعی می‌انجامد.

رعایت نظم اجتماعی: نظم اجتماعی حالتی است که در شرایط به وجود آمدن همبستگی میان افراد جامعه به دست می‌آید (یوسف‌زاده، ۱۳۸۵). به عبارتی دیگر درونی کردن ارزش‌های جامعه عامل نظم اجتماعی می‌شود (همان). به نظر دورکیم، عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی که علیرغم تغییرات در روابط ما و افرادی که سازنده آن است، استمرار می‌یابد، نظم اخلاقی است، شامل مجموعه‌ای از قواعد که بر روابط اجتماعی حکم فرماست. دورکیم نوعی از همبستگی را با عنوان همبستگی ارگانیکی تعریف می‌کند، در این نوع همبستگی تنوع تخصص‌ها وجود دارد و افراد از نظر داشتن مهارت‌ها از یکدیگر متفاوتند. همین تنوع عامل وابستگی متقابل و در نتیجه حفظ نظم می‌شود (همان). نظم اجتماعی در شهر سنتی برآمده از قانونی مدون نیست، بلکه ناشی از ارزش‌های اجتماعی و قراردادهای نانوشته بین افراد است. یکی از نمونه‌های این نظم، نظافت کوچه‌ها و محله‌ها توسط اهالی است، اهالی نسبت به محدوده‌ای از کوچه

بهره بردن از طبیعت، باعث الزام و تقویت حضور افراد در فضا می‌شود. فضای باز مقابل مسجد جامع یزد از این دسته است که علاوه بر جنبه‌ی مذهبی، مجاورت آن با کتابخانه، راسته‌ی رنگرژها و بافت مسکونی اطراف باعث شده در این فضا فعالیت‌های متعددی از جمله گذر، تجمع افراد و برگزاری مراسم مذهبی شامل جشن‌ها و عزاداری‌ها و استفاده‌ی کسبه جهت انجام فعالیت‌های روزمره صورت بگیرد.

مشارکت در گذشته و حال

مقایسه مشارکت مردمی در امور اجتماعی در گذشته و حال شهرهای ما، از دو منظر صورت می‌گیرد؛ ابتدا معرفی حوزه‌های مطرح شده در مبانی نظری مشارکت و بررسی مشارکت در شهرهای سنتی برمبنای این حوزه‌ها (تصویر ۴) و سپس، دسته‌بندی مؤلفه‌های شناخته شده برای مشارکت در گذشته و بررسی نحوه‌ی تحقق این مؤلفه‌ها در گذشته و حال.



تصویر (۴): ارتباط و نقش حوزه‌ها و مؤلفه‌های مشارکت در شهر سنتی (مأخذ: نگارنده)

حوزه‌ی سیاسی به چگونگی توزیع قدرت در جامعه وابسته است و بر این اساس مدل‌های متفاوتی از مشارکت را ارائه می‌دهد، از تسلط گروهی خاص بر جریان مشارکت تا بالا بردن میزان ارتباطات میان افراد و

در اطراف پیشگاه و ورودی خانه نیز احساس تعلق داشته و نظافت آن را برعهده خود می‌دانستند. بر اساس اعتقادی قدیمی، هر روز پیش از طلوع آفتاب این فضا توسط ساکنان آب و جارو می‌شده، بنابراین صبح هنگام آغاز فعالیت‌های اجتماعی، فضای محله از لطافت، پاکی و رطوبت مطبوعی برخوردار بوده‌است. این نظم اجتماعی رهاوردی از مشارکت مردمی است که باعث کم شدن تنش‌ها و برخوردها شده و آسایش روانی، سلامت روابط و خشنودی شهروندان را در پی دارد.

حضورپذیری: یکی از ویژگی‌های شهر سنتی، تغییر مدام جهت پاسخ به نیازهای جدید، ارتباط اجزا با هم و همه با کل، بهره‌گیری اجزا از طبیعت به اندازه و به جا و در نهایت هماهنگی نظامات در شهر و طبیعت است (احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در حضورپذیر بودن فضاهای شهری، ویژگی‌های کیفی و عملکردی فضاهای عمومی شهر و محله است. ویژگی‌های کیفی فضا باعث تمایل افراد به حضور در آن شده و ویژگی‌های عملکردی، افراد را ملزم به حضور در مکان می‌کنند. در خردترین مقیاس، پیشگاه خانه‌ها به دلیل مسقف بودن و وجود پیرنشین‌ها، کیفیتی مناسب جهت تعاملات افراد خانواده با همسایگان را فراهم می‌کند. پس از آن واشدگاه‌ها و لردها در طول مسیرها و کوچه‌های هر محله به عنوان میدانچه‌ای محلی، فضایی مناسب برای تجمع و حضور افراد محله و عابران ایجاد می‌کند. در مقیاسی بزرگتر، میدان‌های محلی مطرح می‌شوند، مکانی برای تمامی اتفاقات روزمره‌ی زندگی با کالبدی مناسب جهت فعالیت‌های متنوع، مبادلات کالاهای محلی، تعاملات شهر و روستا، فعالیت خرده‌فروشان و دوره‌گردان و... تمامی این عوامل به عنوان کیفیت‌های فضایی، تمایل افراد به حضور در فضا را برمی‌انگیزد. در برخی از فضاهای باز شهری، تعدد عملکردها در کنار کیفیت‌های فضایی و

محیطی برعهده‌ی مستحفظان بیگانه، که عناوینی چون مدیریت حفاظت یا کمیته عمومی را یدک می‌کشند، رها گردیده‌است (یاراحمدی، ۱۳۷۸). هرچند هنوز عده‌ای از ساکنان این محلات تمایل به مشارکت در امور را دارند، اما بسیاری از این امور بر خلاف ضوابط تعیین شده جهت حفظ بافت‌های تاریخی بوده و نتیجه‌ی آن از بین رفتن شاخصه‌ی تأثیرگذاری و احساس جمعی است.

در حوزه‌ی اجتماعی در دوران مدرن، معیارهای قدیمی رفتار تحت تأثیر ویژگی‌های این دوران دگرگون شده، در نتیجه روابط اجتماعی منزلت خود را از دست داده و افراد از هم فاصله می‌گیرند. به این ترتیب زندگی خصوصی، به سمت جدا شدن از زندگی عمومی میل می‌کند (پوردیهیمی، ۱۳۸۲). علاوه بر آن تغییرات کالبدی، تغییر در ساختار جمعیتی جامعه و شالوده‌ی شکل‌گیری

گروه‌های اجتماعی. اساس حوزه‌ی جامعه‌شناسانه همسایگی، مجاورت و ارتباطات افراد در یک اجتماع محلی است و حوزه‌ی روانشناسانه به دنبال کشف رابطه‌ی فرد با اجتماع و تأثیر نحوه‌ی این رابطه بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی است (حیبی، ۱۳۸۵).

بر این اساس می‌توان به قدرت محلات در شهرهای سنتی اشاره کرد، در این شهرها در سطح محله‌ها همبستگی و مشارکت در امور امری رایج بود. از دوران رضاخان که جامعه‌ی سنتی شروع به فروپاشی کرد، با کمک خیابان‌کشی‌های جدید، مقاومت محلات نیز از هم پاشیده (فلامکی، ۱۳۶۷) و قدرت و امکان بالقوه‌ی مشارکت محلی نیز نادیده گرفته شد و مدیریت محله به شهرداری که ارگانی دولتی بود، سپرده شد. سپرده شدن مدیریت محله و فضاهای عمومی آن به شهرداری و از سویی ثبت

مقایسه مولفه‌های مشارکت در شهر سنتی و شهر امروزی	مولفه‌های مشارکت	شهر سنتی	شهر امروزی
	جهان بینی و اعتقادات مذهبی	نگاه کیفی	نگاه کمی
	پایبندی به سنت‌ها	برپایی مراسم مذهبی و آیینی	برپایی مراسم مذهبی
	اعتماد اجتماعی	برپایه روابط متقابل و تعاملات	کمرنگ شدن روابط و تعاملات
	مشارکت در سرمایه‌گذاری	پرداخت نذورات و مشارکت در ساخت با کمترین توجه به منافع فردی	جهت بهره‌مندی از سود مشارکت
	رعایت نظم اجتماعی	شهروندان مسئول	دولت مسئول
	حضورپذیری	فعال (Active)	غیرفعال (passive)
		الزام به حضور در فضا، بهره‌مند شدن از کیفیات فضایی و برقراری تعاملات	الزام به حضور در فضا و رفع نیازهای روزمره

جدول (۳): مقایسه‌ی مشارکت در شهرهای سنتی و مدرن (مأخذ: نگارنده)

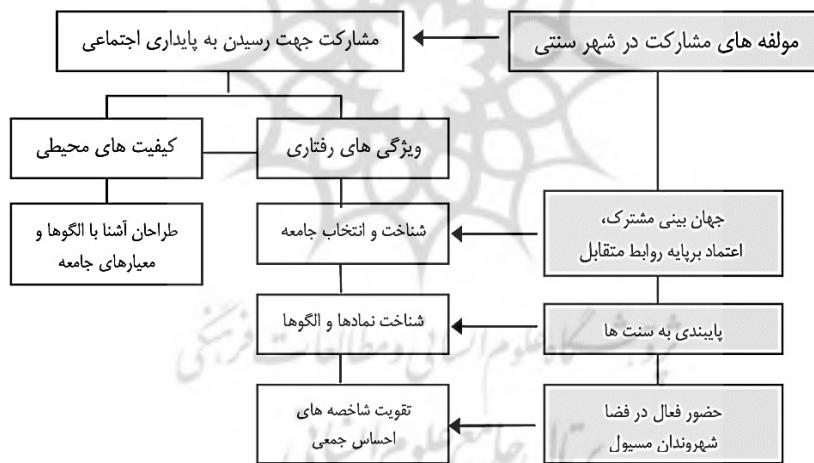
محله‌ها منجر به از بین رفتن همسایگی‌ها، روابط اجتماعی و مناسبات فامیلی محلات شده و نتیجه آن احساس بیگانگی و مشارکت‌گریزی افراد است. در حوزه روان‌شناسانه، افراد در جامعه سنتی خود را موظف به حضور در جامعه می‌دانند. اما امروزه تنها با کمیات سر و کار داریم. آبادی‌های جدید ما دیگر کیفیت‌های فضایی "تراکم" و "بستگی" را دربر ندارند. بافت شهری از هم

بافت‌ها به‌عنوان میراث فرهنگی باعث شد تا محله که در سابق یک حوزه‌ی عمومی بود، امروزه یک فضای دولتی قلمداد شود. امروزه عامه در مقایسه با گذشته، از وقت، آزادی و محیط فیزیکی گسترده‌تری برخوردارند. اما به جای استفاده از این مزایا، بیشتر اوقات خود را در گرفتاری، در هیجانات کاذب و در بی‌حوصلگی و بی‌قراری سپری می‌سازند. بدین ترتیب مسئولیت‌های

جمعی مشترک است. گام دوم شناخت الگوهای مشترک، نمادها و آیین‌های جامعه است که برگرفته از پابندی افراد جامعه به سنت‌های پسندیده‌ی پیشینیان است. گام بعدی تقویت شاخصه‌های احساس جمعی مانند عضویت، تأثیرگذاری و... است که منجر به حضور فعال افراد می‌شود. در رابطه با کیفیت‌های محیط طراحی شده نیز، علاوه بر شناخت و بهره گرفتن از ویژگی‌های رفتاری و اقلیمی، انتخاب مسئولان و طراحان آشنا با معیارها و الگوهای جامعه موردنظر، علاوه بر تعامل بیشتر میان مسئولان و مشارکت‌کنندگان منجر به گونه‌ای مشارکت غیرفعال و یا تأویلی می‌شود که حاصل درک و شناخت عمیق طراح از جامعه است. نتیجه دیگر این شناخت و بررسی‌ها تبدیل یک فرآیند صحیح مشارکتی به چرخه‌ای است که همراه با زمان پیش رفته و در احیای بافت‌های

شکافته (یاراحمدی، ۱۳۷۸)، انسجام و یکپارچگی بافت شهری و در پی آن ارتباط افراد با مکان‌ها و با یکدیگر بیش از همیشه رنگ باخته است.

بیان مشارکت امروزی بر اساس مؤلفه‌های مشارکتی در شهرهای سنتی (جدول ۳) و مقایسه این رفتارها در گذشته و حال، نشان‌دهنده‌ی تغییر سطوح و حوزه‌های مشارکت در گذشته و حال است. برای برقراری ارتباط بین مؤلفه‌ها و حوزه‌های مطرح شده در گذشته و حال و ارائه مدل‌های مشارکتی، مؤلفه‌های شناخته‌شده بر اساس حوزه‌های مطرح شده، دسته‌بندی می‌شوند. بر این اساس نظم اجتماعی در حوزه‌ی سیاسی، پابندی به سنت‌ها و وجود اعتماد میان افراد جامعه در حوزه‌ی جامعه‌شناسانه و جهان‌بینی افراد، سرمایه‌گذاری و حضور آنان در فضاهای شهری، در حوزه‌ی روان‌شناسانه بررسی می‌شود.



تصویر (۵): مشارکت مردمی جهت رسیدن به پایداری اجتماعی (مأخذ: نگارنده)

تاریخی و فرسوده راه گشا است.

بحث و پیشنهاد

برای بهره‌گرفتن از مشارکت برای رسیدن به پایداری اجتماعی توجه به دو مؤلفه‌ی اساسی ضروری است، ویژگی‌های رفتاری و کیفیت‌های محیطی (تصویر ۵). گام اول شناخت جامعه‌ی هدف و انتخاب جامعه‌ای محلی و کارآمد در فرآیند مشارکت است. این امر به نوعی نظام‌مند کردن جریان مشارکت به شمار می‌آید. اساس انتخاب این جامعه دارا بودن اهداف، الگوها و احساسات

نتیجه‌گیری

آنچه که امروزه در کشور ما به عنوان مشارکت اجتماعی مطرح می‌شود، مشارکتی است که نه در سطح محلات بلکه در سطوح کلان شامل برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اتفاق می‌افتد. مشارکت غالباً به معنای قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری بیشتر آنان بر

منابع

- طرح‌های شهری است، اما امروزه در کشور ما مشارکت عمدتاً عبارت است از تامین اعتبار مالی طرح. از طرفی نیاز همیشگی افراد به داشتن روابط اجتماعی پایدار و در سایه آن احساس امنیت و آسایش با گذشت زمان و حتی تغییر در جهان‌بینی و ساختار فکری جوامع، دچار تغییر نمی‌شود، بنابراین تلاش برای تقویت تعاملات و مشارکت افراد در سطوح پایین جامعه و در سطح محلات به عنوان راهکاری عملی مطرح می‌شود. به نوعی بازگشت به درون و نگاهی درون‌فرهنگی؛ که برای دستیابی به آن می‌توان از الگوهای رفتاری و کالبدی شناخته شده در بافت‌های سنتی بهره برد. از این الگوها به ویژه می‌توان در احیای بافت‌های تاریخی و بازسازی بافت‌های فرسوده بهره برد. در بافت‌هایی که سرمایه اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند، متخصصان آشنا با ساختار فرهنگی جامعه می‌توانند با مشارکت سرمایه اجتماعی، بافت و کالبدی مناسب جهت افزایش تعاملات به وجود آورند. اما در بافت‌هایی که تعاملات اجتماعی در آن کمرنگ شده، گام اول تقویت مؤلفه‌های برشمرده شده برای مشارکت، براساس ویژگی‌های فرهنگی بافت مورد مطالعه است و سپس کالبدی مناسب با مشارکت سرمایه اجتماعی شکل گرفته می‌تواند ایجاد شود.
- احمدی دیسفانی، یدا... و آبادی، محمدعلی (۱۳۹۰). کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۹، صفحات ۱۷-۳۰.
- احمدی، زهرا (۱۳۸۹). مطالعه نقش فضای باز در معماری سنتی ایران، جهت بهبود و ارتقاء معماری معاصر، نشریه آبادی، شماره ۱۸، صفحات ۵۹-۵۲.
- اسلامی، غلامرضا و حامد کامل‌نیا (۱۳۹۲). معماری جمعی از نظریه تا عمل؛ تهران: دانشگاه تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰). مشارکت مردم در شهرها، از مفهوم تا اجرا، تهران: ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۱۰۲، صفحات ۲۹-۲۵.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۹). سازده حمام، جلد اول و دوم، چاپ ششم، مشهد: پاپلی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه‌یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی، نشریه صفا، شماره ۳۷، صفحات ۴۱-۲۵.
- پوراحمد، احمد، حبیبی، لیلا و جعفری، مریم (۱۳۹۱). نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی، مجله باغ نظر، شماره ۲۱، صفحات ۲۰-۱۳.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۸۲)؛ فضای باز مسکونی، نشریه صفا، شماره ۳۶.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معاریان، تهران: سروش دانش.
- حبیبی، سید محسن و هادی سعیدی رضوانی (۱۳۸۵). شهرسازی مشارکتی: تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی، نشریه صفا، شماره ۴۳، صفحات ۶۸-۵۰.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر، حاجی‌زاده میمندی، مسعود و زارع بیدکی، خدیجه (۱۳۹۲). سنجش پایداری اجتماعی در بین محله‌های قدیم و جدیدی شهر یزد، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره هفتم، صفحات ۱۳۴-۱۰۵.

مشیری، فرخ (۱۳۹۰). مدیریت مبتنی بر مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نشریه صفا، شماره ۵۲، صفحات ۱۵۳-۱۳۵.

معماریان، غلام‌حسین (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری، تهران: نشر سروش دانش.

واعظ زاده، ساجده، نقدی، اسدا.. و ایاسه، علی (۱۳۹۴). مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران؛ مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره دوم، صفحات ۵۹-۴۵.

یاراحمدی، امیر (۱۳۷۸). به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

یاری، حامد و هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)، نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره چهارم، صفحات ۵۸-۳۹.

یگانگی، مجید (۱۳۷۵). آشنایی با معماری اسلامی: پژوهشی در مورد میدان‌های قدیم یزد، یزد: مرکز اسناد دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.

یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۵). نظم اجتماعی در اسلام، نشریه معرفت، شماره ۱۰۳.

شرفی، مرجان و برک‌پور، ناصر (۱۳۸۹). گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری، بر مبنای سطوح مختلف مشارکت، دوفصلنامه نامه معماری و شهرسازی، شماره ۴، صفحات ۱۰۱-۷۷.

شفیعا، محمدعلی و شفیع، سعید (۱۳۹۱). بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی، تهران: نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۶، صفحات ۱۶۴-۱۳۹. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹). اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی اسلامی، تهران: فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی.

عباس‌زادگان، مصطفی و محمدرضا خطیبی (۱۳۹۰). خلق محیط‌های پایدار هویت‌مند در سایه مشارکت مردمی، تهران: ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۱۰۲، صفحات ۱۴-۱۰. علیزاده، هوشمند، کیومرث ایراندوست و مهنا برآور (۱۳۹۳). سنجش پایداری اجتماعی محلات براساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض‌آباد شهر کرمانشاه)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۷، صفحات ۹۲-۷۳.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۶۷). فارابی و سیر شهروندی در ایران، تهران: نشر نقره.

کامل‌نیا، حامد و همکاران (۱۳۸۸). رویکرد طراحی جمعی در معماری، تحلیل و بررسی تطبیقی معماری جمعی با معماری اجتماعی و معماری مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۹، صفحات ۶۰-۴۶.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.

گلکار، کوروش (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، نشریه صفا، شماره ۴۴، صفحات ۷۵-۶۶.